

Strategies of cultural influence in American foreign policy

Alireza Rajaei¹

Seyyed Ali Tabatabai Panah²

Abstract

Cultural influence serves as one of the tools of soft power in the realm of foreign policy, allowing countries to not only strengthen their cultural impact but also achieve their foreign policy objectives. In this context, the United States has endeavored to utilize this aspect of power for its national interests and goals. Therefore, this article aims to address the question: What have been the strategies of cultural influence in U.S. foreign policy? The findings indicate that the strategies of cultural influence in U.S. foreign policy are part of the country's efforts to achieve its geopolitical and economic objectives on a global scale. Educational programs and projects aimed at developing young leaders in various regions of the world, especially in Africa, Southeast Asia, and the Americas, have been used as tools for cultural influence and the dissemination of American values and interests.

Keywords: foreign policy, soft power, culture, United States

¹ Master of Political Science Studies from the Faculty of Political Science, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

Alirezarajaei1397@gmail.com

² Master of Strategic intelligence, Imam Hossein University (AS) , Tehran, Iran

Drmomenqom@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

Knowledge of political interpretation

دانش تفسیر سیاسی

Vol 6, No 19, Spring 2024

سال ششم، شماره نوزدهم، بهار ۱۴۰۳

ppt 53-76

صفحات ۷۶-۵۳

نقش دیپلماسی عمومی در بازنمایی حقوق شهروندی در ایران (با تأکید بر ظرفیت ایرانیان مقیم خارج)

علیرضا رجایی^۱

سید علی طباطبایی پناه^۲

چکیده

این مقاله به بررسی نقش بسیار مهم ایرانیان مقیم در خارج از کشور، به یک فرصت برای دیپلماسی در جهت کاهش فشارها از سوی دولت‌های خارجی، پرداخته است. این نقش در کنار منابع رسمی دولتی و به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند حقوق بشر بررسی شده است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به سؤال اساسی این است که چگونه دیپلماسی حقوق شهروندی با استفاده از توان ایرانیان مقیم خارج از کشور ممکن است باشد؟ یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که دیپلماسی حقوق شهروندی می‌تواند با ایجاد آگاهی در ایرانیان مقیم درباره مسائل حقوق شهروندی در ایران، در افکار عمومی ایجاد کند تأثیر مثبت دارد. این طرح همچنین می‌تواند به جوامعی که دولت‌هایشان در زمینه‌های حقوقی در مقابل ایران تبلیغات منفی می‌کنند، مقاومت کند و همچنین در برابر فشارهای خارجی دفاع از جمهوری اسلامی ایران در برابر جمهوری اسلامی ایران، عمل کند. این مقاله به روش تحلیلی و توصیفی و استفاده از اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، دیپلماسی، ایرانیان مقیم خارج، جمهوری اسلامی ایران

^۱ کارشناسی ارشد مطالعات علوم سیاسی از دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران

Alirezarajaei1397@gmail.com

مرکزی، تهران، ایران.

^۲ استادیار گروه روابط بین‌الملل واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

مقدمه

یکی از مسائل عمده در روابط بین‌الملل، فهم عوامل تأثیرگذار بر رفتار سیاست خارجی کشورها به‌عنوان کنشگران اصلی سیاست جهانی است. بر اساس مباحث نظری مطرح‌شده، آنچه طی دهه‌های اخیر سیاست خارجی کشورها را تحت تأثیر جدی قرار داده و آن‌ها را ملزم به بازتعریف اهداف و اولویت‌های سیاست خارجی خود در ارتباط با مؤلفه‌های نظام بین‌الملل کرده از تأثیر گسترش فناوری و ارتباطات و توجه به نیروهای غیردولتی بوده است. باید گفت که به نسبی که روابط بین‌المللی گسترش می‌یابد و نقش بازیگران جدید پررنگ می‌شود از میزان انحصارگری بودن دولت به‌عنوان بازیگر کاسته می‌شود. در این میان افکار عمومی و نقش افراد و گروه‌ها برجسته می‌شود به‌گونه‌ای که شاهد تأثیرگذاری وزنه‌های جدیدی همپای دولت‌ها و حتی فراتر هستیم.

با این توضیح باید گفت اگر مطالعات و تحلیل‌های سنتی که در مورد نقش و جایگاه دیپلماسی در روابط بین‌الملل بر دستور کارهای سیاسی دولت‌محور و روابط بین‌دولتی تأکید داشت امروز در چارچوب فرا دولتی و فرودولتی می‌توان بر نقش بازیگران تکیه کرد که در صورت قرار گرفتن در کنار دولت‌ها می‌توانند به‌عنوان بازوی دیپلماسی برای تحقق اصل تعامل سازنده و مؤثر با جهان، شکل‌دهی به تعاملات و جهت‌دهی به رفتار و سیاست‌های سایر دولت‌ها بکار آیند. در این میان بعد از جنگ جهانی دوم دیپلماسی عمومی به لحاظ داشتن ظرفیت‌هایی که در جهت برقراری تعامل با مخاطبان غیردولتی ایفا می‌کند بیشتر مورد توجه دستگاه دیپلماسی کشورها قرار گرفته است. کشور ایران اگرچه به این مقوله توجه نیز داشته است اما به نظر می‌رسد از ظرفیت‌های واقعی دیپلماسی عمومی استفاده نبرده است و اهمیت طرح این موضوع از این لحاظ بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا می‌توان گفت دیپلماسی عمومی کشور ایران می‌تواند با در نظر گرفتن ظرفیت ایرانیان مقیم خارج از کشور در مبحث دیپلماسی حقوق بشر به‌عنوان یک بازوی

مؤثر در سیاست عمل کند. این مهم از آنجا اهمیت پیدا می‌کند که غرب به‌طور مداوم به خاطر مسائل حقوق بشری به ایران فشار وارد می‌سازد و افکار عمومی را علیه جمهوری اسلامی تحریک می‌کند. از این رو پژوهش حاضر با روش تحلیلی توصیفی به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که تأثیر دیپلماسی حقوق بشر با تأکید بر ظرفیت ایرانیان مقیم خارج چیست؟ فرضیه مقاله این است که با توجه به فشارهای حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی ایران دیپلماسی حقوق بشری با تأکید بر ارتباط با ایرانیان مقیم خارج می‌تواند علاوه بر شفاف‌سازی اقدامات مثبت حقوق بشر جمهوری اسلامی بر هرگونه تبلیغات منفی، امنیتی سازی، اجماع سازی جهانی علیه ایران و وارونه‌سازی حقایق استفاده کرد. با توجه به اینکه امروزه افکار عمومی و محافل سخنرانی و تصمیم‌گیری می‌تواند در اتخاذ سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها مورد توجه قرار بگیرد بنابراین دیپلماسی حقوق بشری می‌تواند از ظرفیت ایرانیان مقیم در خارج در جهت منافع ایران نهایت استفاده را ببرد.

ادبیات پژوهش

«بازنمایی» تولید معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است. آنچه ما واقعیت می‌نامیم خارج از فرایند «بازنمایی» نیست. البته این بدان معنا نیست که هیچ جهان مادی واقعی وجود ندارد؛ بلکه مهم این است که به آن جهان مادی واقعی وجود ندارد، بلکه مهم این است که به آن جهان مادی واقعی، باید معنایی داده شود. حال با استفاده از دیدگاه نشانه‌شناسی منتج از آرای سوسور و نگاه گفتمانی برگرفته از دیدگاه‌های میشل فوکو نشان می‌دهد که بازنمایی دارای ویژگی‌های برساختی است. برساختی بودن بازنمایی برای استوارت هال از خلال نگاه به زبان به‌مثابه رسانه محوری در چرخه فرهنگ شکل می‌گیرد که معانی به‌وسیله آن در چرخه فرهنگ، تولید و چرخش می‌یابند؛ بنابراین هال (۱۹۹۷) زمانی که از فرآیندهای بازنمایی می‌کند و اصطلاح «نظام بازنمایی» را برای بیان نظام مفهومی خود جعل می‌کند از دو مرحله صحبت می‌کند: نظامی بر روی همه گونه‌های

موضوعات، افراد و حوادثی که به واسطه مجموعه‌هایی که آن را «بازنمایی ذهنی» می‌نامیم، اشکال از مفاهیم را سازمان‌دهی، دسته‌بندی و طبقه‌بندی می‌کنیم و به واسطه چنین نظام طبقه‌بندی می‌توان بین هواپیما و پرنده انجام داد. هر دو در آسمان پرواز می‌کنند) تفاوت قائل شد. در یک مرحله بالاتر، ما این مفهوم را با همدیگر تقسیم می‌کنیم و به اصطلاح می‌گوییم معانی فرهنگی مشترکی را می‌سازیم تا تفسیری واحد نسبت به جهان را به اشتراک بگذاریم؛ بنابراین تنها وجود مفاهیم کافی نیست و ما نیاز به مبادله و بیان معانی و مفاهیم داریم و این امر ما را به نظام بازنمایی دیگری سوق می‌دهد که همان نظام «بازنمایی زبانی» است (تقوی رضوانی، ۱۳۹۹: ۱۷-۱۳). رابطه بین بازنمایی و دیپلماسی عمومی یک کشور در وضعیت داخلی آن به نحوی است که بازنمایی‌های داخلی می‌توانند به طور مستقیم بر روی برداشت‌ها و تصورات بین‌المللی تأثیر بگذارند.

اصطلاح "دیپلماسی عمومی" برای اولین بار در سال ۱۹۶۵ توسط ادmond گیلون، کارمند سابق وزارت امور خارجه آمریکا و رئیس زمان "مدرسه حقوق و دیپلماسی فلچر" در دانشگاه تافتس، در مراسم افتتاحیه مرکز دیپلماسی عمومی ادوارد مور، مورد استفاده قرار گرفت. دیپلماسی عمومی در فرهنگ واژگان روابط بین‌المللی به برنامه‌هایی اشاره می‌کند که تحت حمایت دولت اجرا می‌شوند و هدف آن‌ها اطلاع‌رسانی به سایر کشورها و یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی آن‌ها است. ابزارهای اصلی این رویه شامل انتشارات، تصاویر، تبادلات فرهنگی، رسانه‌های عمومی و اینترنتی است.

دیپلماسی عمومی که هر از گاهی به آن دیپلماسی مردمی، دیپلماسی قدرت نرم یا قدرت نرم (Soft Power) نیز می‌شود، در علمی، دانشگاهی و سیاست خارجی آمریکا بیشتر از هر کشور دیگری توجه و بررسی قرار گرفته است. اصطلاح دیپلماسی عمومی برای اولین بار در آمریکا و در سال ۱۹۶۵ میلادی، توسط ادmond گیلون، رئیس دانشکده حقوق و دیپلماسی فلچر در دانشگاه تافت، در هم‌زمان با افتتاح «مرکز ادوارد مور برای دیپلماسی»

معرفی شد. این مرکز دیپلماسی عمومی را به‌عنوان تعریفی تعریف می‌کند که بر نگرش‌های عمومی تأثیر می‌گذارد و شکل‌دهی و اجرای سیاست خارجی شامل روابط بین‌المللی که فراتر از دیپلماسی سنتی است، ارتباط داد. در "فرهنگ واژگان اصطلاح روابط بین‌الملل" که توسط وزارت امور خارجه آمریکا در سال ۱۹۸۵ منتشر شده است، دیپلماسی عمومی به‌عنوان برنامه‌های تحت حمایت دولت تعریف شده است که هدف اصلی آن‌ها اطلاع‌رسانی یا تأثیر بر افکار عمومی دیگر است و ابزارهای اصلی آن شامل انتشار متن، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون است (اخوان کاظمی و عزیزی، ۱۳۸۹: ۷).

دیپلماسی را به دو نوع رسمی و غیررسمی تقسیم می‌کنند. دیپلماسی عمومی نوعی دیپلماسی غیررسمی محسوب می‌شود. نوع اول دیپلماسی توسط وزارتخانه‌های خارجه اجرا می‌شود و تنها رابطه صرف دولت‌ها با یکدیگر است و از مجرای کارگزاران رسمی می‌گذرد. «مک کلن» مشاور دیپلماسی عمومی وزارت خارجه آمریکا، دیپلماسی سنتی را اساساً «دیپلماسی کشور به کشور» می‌داند و می‌گوید: «دیپلماسی سنتی عمدتاً بر تلاش‌های مقامات رسمی یک کشور به‌منظور نفوذ بر مقامات رسمی کشوری دیگر، برای اتخاذ موضعی خاص، متمرکز است» اما یکی از مهم‌ترین ابعاد تحول در عرصه دیپلماسی، سوق تمرکز فعالیت‌های دیپلماسی از اهداف کلان به خرد و برجسته شدن نقش دیپلماسی عمومی است. اگر در گذشته عمده فعالیت‌های دستگاه دیپلماسی، تحقق اهداف و پیگیری سیاست‌های کلان کشور در چارچوب ملی بود، امروزه بخشی از آن فعالیت‌ها به عهده سایر نهادهای ملی و کشوری، دولتی و غیردولتی قرار گرفته که برخی از آن‌ها بدین قرارند: نهادهای فرهنگی، رسانه‌ای، هنری، دانشگاهی، اقتصادی، ورزشی، گردشگری و سایر نهادهایی که حوزه فعالیت آن‌ها در ورای مرزهای ملی در عرصه بین‌المللی فعالیت دارند (زهرانی و رجایی، ۱۳۹۹: ۹-۸). یکی از دلایل عدم وجود دیدگاه

مشترک در خصوص دیپلماسی عمومی، ناشی از آن است که در چند سال اخیر، توجه ویژه‌ای در محافل سیاسی از سوی دولت‌ها به‌عنوان اهرم سیاست خارجی به دیپلماسی عمومی گردیده است. در واقع، طبیعت متحول سیاست‌های بین‌المللی موجب شده دولت‌ها به منابع غیر محسوس قدرت، توجه بیشتری نشان دهند. به‌عبارت‌دیگر، دولت‌ها در کنار توانایی‌هایی چون قدرت نظامی، توان اقتصادی و اهرم‌های سیاسی سنتی اعمال قدرت و غیره، به منابع جدید قدرت مانند رسانه‌ها، ارتباطات فرهنگی، نهادهای غیردولتی، مراکز علمی، تحقیقاتی و آموزشی و حوزه‌های مردمی که می‌تواند در که نخبگان فعالیت می‌کنند و به‌طور کل نگرش و رفتار دیگران اثرگذار باشد، توجه بیشتری از خود نشان می‌دهند. دیپلماسی عمومی وظیفه دارد در ابعاد مختلف در همه‌ی این حوزه‌ها فعالیت نماید. به‌منظور فهم دقیق‌تر مفهوم و گستره‌ی دیپلماسی عمومی، الزام است به ابعاد آن در صحنه‌ی عمل، دقت بیشتری مبذول گردد. دولت‌ها از درازمدت "تحت تأثیر قرار دهند و در پی آن در رفتار آنان تغییراتی را در جهت منافع خود ایجاد نمایند (رحمانی، ۱۳۹۳: ۷۶). به‌طور کلی می‌توان ویژگی‌های دیپلماسی عمومی نحوه عملکرد و کارکرد آن را این‌گونه بیان کرد که به دنبال آن هستند که تصور و برداشت‌های متعدد مدیریت اخبار و اطلاعات، ارتباطات مردم دیگر کشورها و برقراری روابط راهبردی را موردتوجه قرار بدهند. از این‌رو آنچه تعقیب می‌شود در شاخص‌های زیر قابل‌بیان است:

الف: رابطه سازی: یکی از مهم تیری کارکردهای دیپلماسی عمومی ارتباط بلندمدت با مردم جوامع خارجی به‌منظور شناساندن یک کشور و ایجاد فهم از جامعه، مردم و ارزش‌های آن کشور در ذهن مخاطبان خارجی از طریق فراهم کردن زمینه درک متقابل است. این رابطه سازی از طریق‌های مختلف چون: تعاملات بلندمدت باشخصیت‌های کلیدی یک جامعه، اعطای بورس، برگزاری سمینار، آموزش، اجلاس‌ها و ایجاد شبکه‌های حقیقی شکل می‌گیرد. می‌توان گفت کارکرد اساسی دیپلماسی عمومی ایجاد روابط بلندمدت با مردمان کشورهای خارجی به‌منظور ایجاد شرایط درک متقابل و شناسایی

ارزش‌ها و منافع مشترک اسبت تا بستر لازم برای پذیرش سیاست‌ها و کنش‌های کشور عامل مهیا شود.

ب) مدیریت تصویر: مرحله دوم دیپلماسی عمومی سعی دارد تا به مدیریت تصویر پردازد و وجهه و جایگاه یک دولت را در اذهان عمومی بهتر کند. بازنمایی و ترویج تصویر مثبت از یک کشور موجب خوش‌نامی و ارتقا وجهه آن می‌شود.

ج) افزایش اعتبار: در صورت ارتقا اعتبار دولت‌ها در میان جوامع خارجی ظرفیت اقدام مشروع در سایر کشورها کسب خواهد شد و بدین ترتیب در سیاست داخلی و خارجی موفق‌تر خواهد بود (ر.ک خسروی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۱-۲۰۰).

دیپلماسی عمومی به فرد اهمیت قائل است؛ هر فرد با جایگاه سیاسی، اقتصادی و نفوذ ارتباطی می‌تواند تأثیرگذار باشد. در تمام کشورهای دنیا افراد می‌توانند تأثیرگذاری خودشان را داشته باشند و از ارتباطات و موقعیتی که دارند، کشور را منتفع نمایند. با این کار یعنی تشکیل شبکه‌های نخبگان در خارج از کشور و وصل این شبکه به داخل و جایگاه‌هایی که آن‌ها می‌توانند در داخل تأثیرگذار باشند، می‌توان از این ظرفیت استفاده کرد (Npps, 1397). همچنین توجه به دیپلماسی عمومی به دیپلماسی شهری نیز توجه دارد زیرا موجب ارتباط گسترده می‌شود. علیرضا رجایی، رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل مرکز توسعه خواهر شهرهای ایران بیان می‌دارد:

"از آنجایی که دیپلماسی رسمی کشور با یک قواعد و بایده‌نمایی در حال فعالیت است بنابراین دیپلماسی شهری می‌تواند به‌عنوان مجموعه‌ای کارساز کمبودهای دیپلماسی رسمی کشور را پر کند... در دیپلماسی شهری رویارویی تعاملی و مثبت است و بر پایه نگاه و افکار عمومی گام برمی‌دارد قطعاً در کاهش کشمکش‌ها مؤثر است. علاوه بر این دیپلماسی شهری سبب می‌شود که هم حقوق کشور استیفا شود و هم اعتقادات حکومتی تحت تأثیر قرار نگیرد. به عبارتی می‌توان دیپلماسی شهری را «دیپلماسی دانایی و هوشمند» نامید که

با وجود اینکه با واقعیت‌ها روبرو است، باری برای کشور ندارد و همیشه با کمترین هزینه کار را به پیش می‌برد." (shahr,1399)

اهمیت دیپلماسی عمومی در بازنمایی حقوق بشر در ایران

حقوق بشر به مجموعه‌ای از استانداردها، موازین و اصولی اطلاق می‌شود که همه انسان‌ها به دلیل انسان بودن، حق دارند که از آن‌ها رعایت شود. این استانداردها و موازین به طور مستقیم به عنوان هنجار بین‌المللی بر اساس اسنادی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق حقوق جهانی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اعلامیه حقوق جهانی بشر در سال ۱۹۹۳، نشئت می‌گیرند. یکی از سؤالات مهمی که همیشه بوده است و هنوز هم در بسیاری از کشورها، به ویژه اسلامی و در مورد دیگر، به قوت خود باقی مانده است، این است که آیا حقوق بشر به عنوان یک مفهوم فراگیر و بدون استثناء می‌تواند اعمال شود. یا هر جامعه و جوامع مختلف می‌توانند با توجه به شرایط و ویژگی‌های خود، حد و حدودی برای اجرای این حقوق و حتی برخی از آن‌ها را گزینش کنند (طالبی و ابوالحسن شیرازی، ۱۴۰۰:۱۱۴). یکی از مهم‌ترین موارد برخورد غرب با جمهوری اسلامی ایران در طی سال‌های گذشته مبحث حقوق بشر بوده است. استفاده از لفاظی‌های انتقادی در قبال جمهوری اسلامی ایران به ویژه برای اعمال فشار در پرونده هسته‌ای نیز تقویت و ادامه‌دار شد، به طوری که مسائل حقوق بشر یکی از شرایط حفظ روابط با ایران نیز اعلام شده است. ایالات متحده نیز در شرایطی که روابط دیپلماتیک رسمی با ایران وجود ندارد، به همراه مواردی مانند حمایت از تروریسم، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و استفاده غیر صلاح آمیز از فناوری هسته‌ای، مسائل حقوق بشر را در دستور کار خود قرار داده است. غرب، در مقابله با تبعیض آمیز با جمهوری اسلامی ایران، در مقایسه با هر کشور، حقوق بشر را به عنوان یک ابزار فشار سیاسی و یکی از

راهبردهای اصلی عملیات روانی خود علیه ایران بهره‌برداری کرده است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۲). بنابراین یکی از چالش‌های اساسی ایران مسئله رفع بازنمایی‌های منفی از ایران و وضعیت حقوق بشر در داخل کشور است. برای این منظور هرچند تلاش‌هایی در سطح دیپلماسی رسمی انجام شده است اما به نظر می‌رسد رسیدن به موفقیت و تأثیرگذاری بیشتر نیازمند استفاده از راه‌های دیگر از جمله دیپلماسی عمومی است. دیپلماسی عمومی نقش مهمی در بازنمایی و تحول دیدگاه‌ها نسبت به وضع حقوق بشر در ایران دارد. این مهم به دلیل آن اهمیت دارد که در ارائه اطلاعات دقیق و صحیح درباره وضعیت حقوق بشر به جوامع بین‌المللی، نهادهای بین‌المللی و رسانه‌ها، برای افزایش اطلاعات و رسانه‌های عمومی از این مسائل، بسیار ضروری است. ارتباط این امر با ایرانیان خارج از کشور، به دلیل دسترسی به اطلاعات و بسترهای جهانی، نقش حیاتی ایفا می‌کند. مشارکت آن‌ها در تلاش‌های دیپلماسی عمومی می‌تواند به‌طور قابل توجهی تلاش‌ها برای به تصویر کشیدن تصویری دقیق از حقوق بشر در ایران را تقویت کند. ایرانیان خارج از کشور با استفاده از شبکه‌های خود، حضور در رسانه‌های اجتماعی و مشارکت در مجامع بین‌المللی، می‌توانند به‌طور مؤثری به ابتکارات آگاهی و حمایت بیشتر کمک کنند. این رویکرد مشارکتی نه تنها گفتمان را غنی می‌کند، بلکه حمایت بین‌المللی را برای رسیدگی به چالش‌های حقوق بشر در داخل ایران تقویت می‌کند؛ همان‌طور که بیان شد دیپلماسی عمومی در حوزه‌ی انتقال درست عقاید و ارزش‌ها می‌تواند اقدام کند. تغییر و تحول در حوزه‌ی نگرش‌های سایرین به دو صورت شکل می‌گیرد:

۱- **شکستن کانال شناخت یک‌سویه:** زمانی که فرد در مواجهه با عقاید و ارزش‌های جامعه‌ی به‌صورت گزینشی مورد آگاهی قرار بگیرد جریان تأثیرگذاری از طرف میزبان بر

فرد کاملاً یک‌طرفه خواهد بود؛ بنابراین دیپلماسی عمومی ابتدا این کانال یک‌سویه را می‌تواند تغییر دهد.

۲- **ایجاد رابطه دوسویه:** زمانی که فردی در مواجهه با عقاید و ارزش‌های ضمن تأثیرپذیری واقع‌بینانه، در برخی وجوه تأثیرگذار خواهد بود. در این فرایند، جریان کنش و واکنش دوسویه و تعاملی است. اقدام دوم دیپلماسی عمومی برقراری کانال دوسویه است.

همراهی با ایرانیان مقیم خارج در بازنمایی وضعیت حقوق بشر در ایران می‌تواند مؤثر باشد. همان‌طور که بندیکت اندرسون با طرح «نظریه‌ی ناسیونالیسم از راه دور» بر این عقیده است که بسیاری از اقلیت‌های قومی و دینی مهاجر، می‌توانند بدون حضور فیزیکی یا حضور گاه‌به‌گاه در جامعه‌ی خود، تعلق خاطر خود را نسبت به فرهنگ و تمدن، پیشینه‌ی تاریخی و اتفاقات جاری جامعه‌ی خود حفظ نمایند. منظور اندرسون از ناسیونالیسم از راه دور این است که بهره‌مند شدن از ارتباطات جهانی، سبب گردیده است افرادی که از جامعه و وطن خود دور هستند، تعلق فکری، فرهنگی و هویتی خود را به کشور مبدأ حفظ کنند. ناسیونالیسم از راه دور، نه‌تنها حافظ مؤلفه‌های هویت‌بخش فردی است، بلکه می‌تواند از رهگذر پویایی هویتی و فرهنگی ناشی از چالش‌های جامعه‌ی میزبان، بر غنا و بقا و پویایی آن بیفزاید، بدون آنکه شالوده‌های اساسی آن را دچار فروپاشی کند (قاسمی سیانی، ۱۳۸۳: ۱۴۷). دیپلماسی عمومی می‌تواند جریان‌ساز یک ناسیونالیسم از راه دور باشد که از ظرفیت‌های خارج از قلمرو در جهت منافع ملی بهره بگیرد. به‌علاوه ایرانیان مقیم خارج می‌توانند در تقویت دیپلماسی عمومی بر بازنمایی تاریخ ایران و دین مفید باشند. در عرصه خارجی، چالش‌های مربوط به استمرار و تشدید سیاست‌های ضد ایرانی آمریکا، ادامه تنش‌ها در مناطق پیرامونی و تشدید فضای ایران هراسی کارکرد روان و مؤثر دیپلماسی اقتصادی ایران را با مشکل مواجه ساخته‌اند. به این چالش‌ها به‌صورت خاصه

اشاره خواهیم کرد. نقش فشارهای سیاسی و سیاست‌های تحریمی آمریکا علیه ایران: رفتار خصمانه و فشارهای سیاسی و تحریمی آمریکا از اولین ماه‌های پس از انقلاب علیه نظام جمهوری اسلامی ایران آغاز شده است. با فروپاشی شوروی، ایران اگرچه از تهدیدات حضور یک ابرقدرت در مرزهای شمالی خود رهایی یافت، اما از سوی دیگر، شدت رویارویی کشور با آمریکا نیز افزایش یافت. لذا این واقعیت را باید پذیرفت که آمریکا به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی نظام بین‌الملل، هم به‌صورت مستقیم از طریق تهدیدات نظامی، اعمال تحریم‌ها و مداخله در مسئله هسته‌ای و هم به‌صورت غیرمستقیم از طریق هم‌پیمانان خود در منطقه، در چهار دهه گذشته بر فرآیند تصمیم‌گیری و اجرایی سیاست خارجی و امور داخلی ایران تأثیر منفی زیادی بر جای گذاشته است (دامن‌پاک جامی، ۱۳۹۷: ۱۴۲). دیپلماسی عمومی به ایجاد فضایی جدید از مناسبات و ارتباطات فرادولتی منجر می‌شود.

دیپلماسی عمومی و اهمیت ایرانیان مقیم خارج در بازنمایی حقوق بشر در ایران

بر اساس آمارهای سازمان ملل، نسبت جمعیت مهاجران بین‌المللی ایرانی از کل مهاجران بین‌المللی در جهان طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ افزایش، سپس در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ کاهش و دوباره در سال ۲۰۱۷، ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ افزایش یافته است. این آمار ۲،۷ میلیون مهاجر ایرانی در حالی است که در آمارهای دیگری برآورد شده تعداد مهاجران ایرانی خارج از کشور بین ۵ تا ۶ میلیون نفر است. به ترتیب کشورهای آمریکا، کانادا، آلمان، بریتانیا و سوئد بیشترین تعداد مهاجران ایرانی را در خود اسکان داده‌اند و جمعیت مهاجران ایرانی ساکن در پنج کشور مذکور بیش از ۷۰ درصد جمعیت مهاجران ایرانی مقیم خارج از کشور را تشکیل می‌دهند. بر اساس آمار ارائه‌شده از سوی مجلس شورای اسلامی تا سال ۱۳۸۹، حدود ۶۰ هزار نخبه ایرانی از کشور مهاجرت کرده‌اند که اغلب از نخبگان

المیادهای علمی و ترازهای برتر دانشگاه‌ها بوده‌اند. جمع سرمایه ایرانیان مقیم خارج در سال ۲۰۰۰، ۱,۳ تریلیون دلار گزارش شده است. در سال ۲۰۰۰، واحد مرکزی خبر در ایران اعلام کرد که ایرانیان در حدود ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار در ایالات متحده آمریکا، چین و اروپا سرمایه‌گذاری کرده‌اند. همچنین، در سال ۲۰۰۶، کارگران مهاجر ایرانی مجموعاً بیش از ۲ میلیارد دلار درآمد داشته‌اند. بر اساس داده‌های سالنامه مهاجرتی ایران، کشورهای دارای بیشترین جمعیت ایرانی (افراد متولد ایران) امارات متحده عربی، ایالات متحده آمریکا، کانادا، آلمان، انگلستان، ترکیه، سوئد، استرالیا، کویت، هلند، قطر، فرانسه، نروژ، اتریش، دانمارک، ایتالیا، عراق، سوئیس و بلژیک هستند. آمارهای سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد به‌طور کلی یک میلیون و ۳۰۱ هزار و ۹۷۵ ایرانی به این کشورها مهاجرت کرده‌اند، در حالی که در سال ۱۹۹۰ آمار ایرانیان مهاجر در کل جهان ۶۳۱ هزار و ۳۳۹ نفر بوده است (irdiplomacy, 1399). به بیان دبیر شورای عالی ایرانیان مقیم خارج از کشور شهروندان ایرانی در ۱۲۰ کشور جهان پراکنده‌اند (irna.1397). ایرانیان در خارج از کشور دارای شبکه‌ها و ارتباطات مختلفی با دولت ایران هستند. شکل‌گیری خانه ایرانیان با کار تحقیقاتی بر اساس نیازسنجی ایرانیان مقیم در کشورهای مختلف تأسیس شد. مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره خانه ایرانیان مقیم خارج از کشور در تشریح اهداف خانه ایرانیان مقیم خارج از کشور بیان می‌دارد:

"این اهداف شامل حمایت حقوقی و قضایی از هم‌وطنان مقیم خارج از کشور در داخل و خارج از کشورهای محل اقامت آنان بود. تلاش و کمک به منظور دستیابی هم‌وطنان به رفاه و تأمین اجتماعی فراهم‌سازی زمینه گردشگری و زیارت برای ایرانیان خارج از کشور، رایزنی به‌منظور جذب سرمایه‌گذاری در داخل کشور، فراهم‌سازی، زمینه توسعه و ترویج زبان فارسی و تلاش برای حفظ

حراست از فرهنگ فارسی‌زبانان، فراهم‌سازی تبادل اطلاعات و انتقال دانش فنی میان دانشمندان و اساتید و دانشجویان در کلیه زمینه‌های علمی، تلاش برای دستیابی به آمار واقعی ایرانیان در سراسر جهان و ایجاد حلقه ارتباطی با داخل کشور، فراهم‌سازی زمینه برای اشتغال ایرانیان خارج از کشور متناسب با توانمندی‌های فردی، تلاش برای حراست از سنت‌های ایرانی مرسوم در بین پیروان ادیان به رسمیت شناخته‌شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است." (isna.1389).

تأثیر ایرانیان مقیم خارج بر منافع ملی می‌توان شامل موارد زیر باشد:

۱- مخالفت با محکومیت حقوق بشری ایران

کارشناس ارشد مرکز مطالعات و آموزش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه و مؤسس خانه ایرانیان خارج از کشور بیان می‌دارد: "غرب همواره شعار دموکراسی و حقوق بشر سر داده اما اگر بخواهد مشکلاتی را به وجود آورد ایرانیان ساکن در کشورهای غربی باید در مقابل آن‌ها بایستند چراکه ایرانیان بسیاری در خارج از کشور بوده که هرکدام یک سفیر برای ایران هستند لذا دولت‌های غربی نمی‌توانند در تحقق دولت الکترونیک و دیپلماسی عمومی مشکلاتی به وجود آورند" (YJC, راه‌اندازی طرح دولت الکترونیک و دیپلماسی عمومی در آینده‌ای نزدیک, ۱۳۹۱).

۲- مخالفت با اقدامات سخت

بدون شک دشمنان نظام و ایران چشم طمع به میهن ما دوخته‌اند؛ اما همان‌طور که می‌توان از الگوی وطن‌پرستی و ناسیونالیسم دریافت این است که هرگونه تجاوز و اقدام علیه امنیت ملی می‌تواند موجب تقویت وحدت ملی شود. بسیاری از ایرانیان وطن‌پرست مقیم خارج

از اینکه کشور خود را در معرض ویرانی و جنگ ببینند احساس خوشایندی نخواهند داشت و از هزاران مرد و زن در معرض تهدید می‌خواهند حمایت کنند بنابراین می‌توانند مخالفت خود را از درون کشور تهدیدکننده اعلان بدارند؛ حتی به نظر می‌رسد که استفاده از ابزار خشونت‌آمیز نه تنها مورد حمایت و پذیرش جهانی نیست بلکه به صورت مشخص در خصوص ایران نیز می‌تواند یک ابزار فشار محسوب گردد. برای مثال نازنین افشین‌جم " همسر ایرانی "پیتر مک کی" وزیر دفاع کانادا در مصاحبه با "اوتاو مورنینگ" ضمن ابراز مخالفت خود با مداخله نظامی در ایران اعلام کرده بود:

" من به شدت با ایده مداخله نظامی در ایران مخالف هستم. وی که میزبان بخش رادیو اوتاو مورنینگ "سی بی سی" بود علیرغم آنکه با مداخله نظامی در ایران مخالفت کرده بود، اعلام کرد که کانادا می‌بایست سفارت ایران در اوتاو را تعطیل کند تا با این اقدام پیامی را به تهران ابلاغ کند. افشین‌جم تصریح کرد: من بسیار با ایده مداخله نظامی در ایران مخالفم بنابراین من همیشه تلاش می‌کنم تا به شیوه دیگری راه‌هایی برای فلج کردن آن پیدا کنم و یکی از راه‌ها می‌تواند این باشد که به صورت نمادین نشان دهیم که از آن‌ها استقبال نمی‌شود و در این میان، تعطیل کردن سفارت‌های ایران در سراسر جهان یک پیام محکم دیپلماتیکی به ایران ابلاغ می‌کند" (ghatreh,1391).

۳-مقابله با امنیتی سازی علیه جمهوری اسلامی ایران

تفاوت اصلی امنیت با سیاست یا مسئله‌ی امنیتی با مسئله‌ی سیاسی این است که امنیت با مسئله امنیتی به عمل یا جریانی ویژه، استثنایی و پراهمیت اطلاق می‌شود، درحالی‌که سیاست عزمی اداری برای اجرای یک برنامه محسوب می‌شود. امنیت مانند انقلاب است، همان‌گونه که از انقلاب سبز یا انقلاب صنعتی یاد می‌شود و این پیشوند (انقلاب) حاکی از

وقوع یک تغییر ساختاری و دگرگونی عمده است. مسئله امنیتی نیز حاکی از پیدایش بالقوه یا بالفعل فرآیندی است که نتیجه‌ی آن درخطر قرار گرفتن و تهدید حیات شهروندان یا موجودیت یک واحد سیاسی است؛ بنابراین به نظر بوزان مفهوم امنیت ملی، کارکردی بسیج‌گرا دارد و کاربست آن، به‌عنوان دستور کار سیاسی باعث جهش در عمل و دقت فوق‌العاده در توجه می‌شود و بازیگران می‌توانند برای جلب توجه به عظمت تهدید و نیاز به بسیج فوری و مبرم سعی کنند مسائل دلخواه خود را امنیتی تلقی کنند (نصری، ۱۳۸۱: ۵۱). عناصر اساسی تشکیل‌دهنده چارچوب امنیتی شدن رامی توان در سه دسته تقسیم کرد:

(الف) شکل: به این معنی است که امنیتی شدن به‌طور مشخص با تمرکز بر گفتار بازیگران مسلط تعریف می‌شد که این بازیگران اغلب رهبران سیاسی هستند.

(ب) محتوا: مفاهیم و محتوای عمل امنیتی شدن به‌طور دقیقی با تمرکز کردن بر زمان شروع این فرآیند تعریف می‌شود.

(ج) ماهیت: محوری‌ترین چارچوب امنیتی شدن مفهوم ماهیت عملی است که توسط بازیگر تعریف می‌شود (محسنی و صالحی، ۱۳۹۰: ۶۱۷-۶۱۶). در چهارچوب مفهوم امنیتی ساختن دو شرطی که می‌تواند موضوعی را امنیتی سازد عبارت است از گفتمان امنیتی ساز و شکستن قوانین و رویه‌های موجود گفتمان امنیتی ساز که خود شامل کنشگران امنیت ساز و کنشگران کارآمد می‌شود. کنشگران امنیت ساز؛ فرد یا گروهی هستند که موضوعات را با اظهار این مسئله که چیزی از لحاظ وجودی در معرض تهدید است، امنیتی می‌سازند، کنشگران کارآمد صرفاً دارای تأثیر بر تصمیمات در حوزه امنیت می‌باشند. از سوی دیگر کنشگر امنیت ساز تنها مرجع امنیتی ساختن یک موضوع است و کنش کلامی نیز همین‌جا معنا می‌یابد و کنشگر کارآمد مانند یک مؤسسه مطالعاتی ایده پرداز در مسائل امنیتی است (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۱۵۰). از این لحاظ حقوق بشر گاهی از سوی غرب یک مسئله امنیتی در نظر گرفته می‌شود که در جهت فشار و برقراری دیپلماسی اجبار

بکار گرفته می‌شود این در حالی است که اولاً اقدامات مثبت و سازنده حقوق بشری جمهوری اسلامی ایران بیان نمی‌گردد و از سوی دیگر در پرداختن به بحث آن نسبت به سایر کشورها مورد تبعیض قرار می‌گیرد. دیپلماسی حقوق بشری ایران می‌تواند با اهرم ایرانیان مقیم خارج فضایی را ایجاد کند که اثر تبلیغات و سیاسی شدن موضوعات حقوق بشری غرب خنثی یا تقلیل پیدا کند.

۴- انتقاد به استاندارهای دوگانه حقوق بشر غرب

نمونه بارز این مورد در قتل خاشقچی و حمایت آمریکا از عربستان بود. استاندارد دوگانه حقوق بشر غرب نشان می‌دهد که چگونه علیه کشور عربستان که به‌طور آشکار دست به جنایت می‌زند و یا از تروریسم حمایت می‌کند سکوت و حمایت را در پیش می‌گیرد ولی علیه ایران قطعنامه‌های متعدد را به تصویب می‌رساند. انتقاد از سیاست‌های تبعیض‌آمیز توسط ایرانیان مقیم خارج می‌تواند به‌عنوان تریبون دیگر وزارت امور خارجه محسوب شود.

۵- حمایت از سیاست‌های منطقه‌ای ایران

در دوران قبل از انقلاب رویکرد اصلی ایران بر منطقه به حوزه جغرافیایی و ژئوپلیتیک محدود می‌شد؛ ولی با رخ دادن انقلاب اسلامی تمرکز از ژئوپلیتیک به سمت مسائل ایدئولوژیک کشیده شد. ماهیت انقلاب اسلامی ایران به‌گونه‌ای بود که تمرکز بر ایدئولوژی شیعی و به‌تبع اتصال ایران به مسائل جهان عرب و اسلام را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. برخلاف گذشته، تمرکز بر مسائل منطقه‌ای نوعی قوت در سیاست خارجی ایران به حساب می‌آمد. مسائل اصلی خاورمیانه از جمله صلح اعراب و اسرائیل و مبارزه با استکبار و به‌تبع مبارزه با حکومت‌های عربی وابسته به قدرت‌های بزرگ، دو موضوعی بودند که جمهوری اسلامی ایران را مستقیم به مسائل منطقه‌ای وصل می‌کرد. در این زمان نقش ایران

از حالت حاشیه‌ای خارج و به‌عنوان فعال‌ترین بازیگر منطقه‌ای با شکل جدید مطرح گردید. در واقع با وقوع انقلاب اسلامی ایران هویت شیعه توانست در منطقه خلیج فارس ماهیت خود را پیدا کند. این امر باعث افزایش مقاومت شیعیان در برابر نظام‌های سیاسی و کاهش انزوای اجتماعی آنان شد. بدین ترتیب، زمینه‌های اجتماعی برای حداکثر سازی تحرک و بازآفرینی کنش سیاسی توسط شیعیان به وجود آمد (بهادر خانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۰). بنابراین تقویت و حمایت از سیاست‌های ایران در تحولات قدرت و سیاست منطقه برای تثبیت حوزه‌های نفوذ مورد حمایت قرار خواهد گرفت. در این راستا، حمایت از مردم مظلوم فلسطین، مردم یمن و ... در راستای حقوق بشری قرار خواهد گرفت.

جمع بندی

این مقاله به بررسی دیپلماسی حقوق شهروندی و نقش برجسته‌ای که ایرانیان مقیم خارج در این زمینه ایفا می‌کنند، می‌پردازد. ابتدا، مفهوم حقوق بشر و دیپلماسی عمومی مورد بررسی قرار می‌گیرد، این مفاهیم را از منظر جمهوری اسلامی ایران بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فعالیت و فعالیت بیشتر در دیپلماسی عمومی می‌تواند با تأثیر بر افکار عمومی، به‌ویژه در برابر جمهوری اسلامی ایران تبلیغات منفی در زمینه حقوق بشر انجام شود، موفق باشد. نقش ایرانیان در خارج از کشور می‌تواند به‌عنوان ابزاری در دستگاه‌های خارج از کشور عمل کرد که از طریق شفاف‌سازی، مقابله با تهدیدها و تبلیغات منفی و تأثیر قابل توجهی در افکار عمومی داشته باشد. استفاده از حقوق دیپلماسی شهروندی به‌عنوان یک استراتژی حقوقی جمهوری اسلامی، نمی‌تواند در مورد وضعیت حقوق بشر و آزادی‌های مدنی در جامعه بین‌المللی واکنش نشان دهد. این استراتژی می‌تواند با ارائه دقیق و مستند به جوامع بین‌المللی، انتقاد از اطلاعات نادرست درباره حقوق در ایران مطرح شود. از حقوق شهروندی دیپلماسی در مقابله با تحریم‌ها و فشارهای دوگانه غرب، به ایران این امکان را می‌دهد که با ارائه اطلاعات دقیق و صحیح، مخاطبان خود را از واقعیت‌های زندگی در این کشور آگاه کنند. ایرانیان مقیم خارج می‌توانند به‌عنوان نمایندگان و فعالان دیپلماسی حقوق شهروندی، به ترویج دیدگاه‌های منصفانه و توسعه در جهان بین‌المللی کمک کنند. در نهایت، اجرای دیپلماسی حقوق شهروندی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ایرانیان مقیم خارج، به‌عنوان یک راهبرد نوین، می‌تواند به تقویت توجه به مسائل حقوق بشر در ایران و تغییر نگرش‌های منفی نسبت به این کشور کمک کند. در نتیجه، تلاش‌های بیشتر برای ترویج حقوق شهروندی و تعلیم نقش ایرانیان مقیم خارج، به نظر می‌رسد به تحقق اهداف بین‌المللی و حقوق مشترک دست یابد.

پیشنهادها

برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی از دیپلماسی عمومی و نقش ایرانیان مقیم در مجموع، چهار نقشی که باید ایفا شود چنین پیشنهاد می‌گردد:

۱- برانگیختن احساس نیاز ایرانیان مقیم خارج به حمایت از کشور

برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و افزایش حمایت از ایران در جامعه بین‌المللی، دیپلماسی عمومی می‌تواند نیاز به تغییر را در ایرانیان مقیم خارج از کشور به وجود آورد. به‌عنوان، با ارائه دقیق و صحیح درباره وضعیت حقوق بشر در ایران و بسیار مثبت است، دیپلماسی می‌تواند مخاطبان را قانع کند که از تغییرات موردنیاز در کشور مادر می‌تواند برای بهبود شرایط عمومی کمک کند. این تحولات به یک عامل سازنده و ابزاری برای پیشرفت، ایرانیان را به انجام عناوین هدف و همکاری بیشتر ترغیب می‌کند. به‌این ترتیب، دیپلماسی عمومی با مخاطبان نسبت به اطلاعات کامل درباره وضعیت حقوق بشر در ایران و مثبت، می‌تواند نقش مهمی در ایجاد تغییر داشته باشد.

۲- ایجاد ارتباط با مخاطب

برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و ایجاد ارتباط با ایرانیان مقیم خارج، دیپلماسی عمومی می‌تواند از راه‌های استفاده برای تقویت این ارتباطات استفاده کند. به‌عنوان مثال، می‌توانم با برگزاری جلسات و نشست‌های اطلاع‌رسانی که در آن‌ها اطلاعات دقیق و صحیح درباره وضعیت حقوق بشر در ایران ارائه شود، ارتباط نزدیک‌تری با این جامعه برقرار شود. با اعتباربخشی و ایجاد اعتماد، دیپلماسی می‌تواند این ایرانیان را بپذیرد که به‌صورت فعال در فرآیندهای حمایت از حقوق بشر در ایران شرکت کنند و از تجربیات و دانش خود بهره‌مند شوند.

۴- انتقاد علیه دولت‌های غریبی

دیپلماسی عمومی می‌تواند از طریق ارائه دقیق و مستند اطلاعات درباره تحریم‌ها، فشارها و استانداردهای دوگانه غرب علمی و منطقی به جامعه بین‌المللی و رسانه‌ها ارائه دهد. این

اطلاعات با استفاده از داده‌های قابل‌بررسی و شواهد مستند تشریح شود تا اثربخشی و تأثیرگذاری بیشتر در افکار عمومی داشته باشد. ایرانیان مقیم می‌توانند از طریق اعتراضات و انتقادات معقول و منطقی نسبت به تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی و سیاسی توسط غرب، افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داده و نقد و انتقاد از استفاده از استانداردهای دوگانه را به‌روشنی مطرح کنند. این ایرانی می‌تواند با ارائه‌هایی که بر پایه حقوق بین‌المللی و اصول انسانی استوار است، به تقویت آگاهی و درک عمومی از وضعیت موجود می‌پردازد.

منابع

بهادر خانی، محمدرضا؛ موسوی، سید محمدرضا؛ چهر آزاد، سعید (۱۳۹۸)، مقایسه سیاست خارجی عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۸، صص ۳۳-۱

خسروی، افسانه؛ احمدی، حمید؛ ذاکریان، مهدی؛ موسوی زاده، علیرضا (۱۳۹۸)، هم‌افزایی دیپلماسی شهری با دیپلماسی عمومی در حوزه تعاملات فرهنگی و اقتصادی، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، سال هفتم - شماره ۲، صص ۲۱۴-۱۸۹

دامن‌پاک جامی، مرتضی (۱۳۹۷)، تحول دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بررسی دستاوردهای چهار دهه گذشته و چالش‌های پیش رو، فصلنامه سیاست خارجی سال سی و دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷، صص ۱۵۸-۹۱

رحمانی، منصور (۱۳۹۳)، دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی جهانی‌شدن سال ششم، شماره‌ی پانزدهم، بهار ۱۳۹۴ (پیاپی ۱۸)، صص ۸۹-۶۳

زهرانی، مصطفی؛ رجایی، علیرضا (۱۳۹۹)، فرصت‌های همکاری بین‌المللی با رویکرد خواهر شهرها، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال دوم، شماره ۳، بهار ۱۳۹۹، صص ۲۷-۱

صالحی، سید جواد، مرادی نیا، فاتح، پیامدهای ظهور داعش بر ژئوپلیتیک خاورمیانه، فصل‌نامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره اول، بهار ۱۳۹۴، صص ۱۲۸-۱۰۳

قاسمی سیانی، علی اصغر (۱۳۸۳)، تعاملات فرهنگی ایرانیان مهاجر با جوامع میزبان (بررسی موردی ایرانیان مقیم آلمان)، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۵، شماره دو، صص ۱۶۳-۱۳۷

موسوی شفایی، مسعود، (۱۳۸۸)، دیپلماسی اقتصادی، ابزار نوین سیاست خارجی در عصر جهانی شدن. در دیپلماسی اقتصادی. به کوشش محمود واعظی و مسعود موسوی شفایی. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک

اخوان کاظمی، مسعود؛ عزیزی، پروانه (۱۳۸۹)، دیپلماسی عمومی و الگوی اسلامی آن، فصلنامه رسانه، سال بیستم، شماره چهارم، صص ۲۱-۴

موسوی، سید قائم؛ فعال نظری، علی (۱۳۹۹)، عملکرد نظام سیاسی عربستان در قبال نسل اول تا سوم حقوق بشر، سال دوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۹، صص ۱۷۹-۱۵۵

نادر پور، بابک؛ مقصودی، مجتبی (۱۳۹۲)، هویت‌ها، تفاوت‌ها و جهان‌شمولی حقوق بشر (با تأکید بر هویت‌های دینی و قومی ایران)، حقوق بشر، جلد ۸، شماره ۱ و ۲، صص ۱۶۲-۱۲۳

نصری، قدیر (۱۳۸۱)، مکتب کپنهاگ: مبانی نظری و موازین عملی، مطالعات دفاعی و امنیتی، زمستان ۱۳۸۱، شماره ۳۳، صص ۵۸-۳۳

تقوی رضائی، فاطمه (۱۳۹۶). بازنمایی اعتراض‌های دی‌ماه ۱۳۹۶ ایران در رسانه بی‌بی‌سی فارسی. فصلنامه مدیریت رسانه، شماره ۴۷، صص ۳۴-۱

رحمانی، منصور (۱۳۹۴)، دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال ششم، شماره‌ی پانزدهم، پیاپی ۱۸، صص ۸۹-۶۳

طالبی، عباسعلی؛ ابوالحسن شیرازی، حبیب اله (۱۴۰۰)، بررسی تطبیقی وضعیت حقوق بشر در ایران و عربستان، مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دهم، شماره چهارم، پیاپی ۲۳، صص ۱۴۱-

کریمی، مرضیه؛ سیمبر، رضا؛ جانسیز، احمد (۱۳۹۸)، مناقشه‌ی حقوق بشری ایران و آمریکا؛ هویت یا قدرت، فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۰، شماره ۴، پیاپی ۵۸، صص ۱۰۱-۸۱

Ghatreh. (1391). ghatreh. "همسر ایرانی وزیر دفاع کانادا با " نازنین افشین جم

:مداخله نظامی در ایران مخالفت کرد

<http://www.ghatreh.com/news/nn10382787>

Irdiplomacy. (1399). Irndiplomacy. نگاه‌ی به وضعیت مهاجران ایرانی

<http://irdiplomacy.ir/fa/news/1995996/>

شورای عالی ایرانیان خارج از کشور به دنبال استفاده از ظرفیت

Irna. (1392). irna. <https://www.irna.ir/news/80960978>: مضمونان سربازی

Irna. (1397). irna. ایرانیان در ۱۲۰ کشور جهان پراکنده هستند

<https://www.irna.ir/news/82957180>

Isna. (1389). isna. مدیرعامل خانه ایرانیان مقیم خارج از کشور: هر ایرانی، سفیر

[https://www.isna.ir/amp/8901-](https://www.isna.ir/amp/8901-13376)

13376

Npps. (1397). npps. نقش آفرینی ایرانیان خارج از کشور در پیگیری اهداف

<http://npps.ir/articlepreview.aspx?id=182256>: دیپلماسی عمومی

Shahr. (1399). Shahr. علیرضا رجایی: دیپلماسی شهری مکمل دیپلماسی کشور است

[:http://shahr.ir/news/328](http://shahr.ir/news/328)